

## ارث

(معاونت آموزش فقه قضائیه)

### مقدمه:

یکی از موضوعاتی که انسان را نسبت به سایر موجودات متمایز می‌سازد، به جای گذاشتن ارث برای خویشاوندان و بازماندگان است. میراث انسان‌ها هر چند شامل هردو جنبه مادی و معنوی می‌باشد، اما آنچه که با به زبان آوردن کلمه "ارث" در اذهان متبادر می‌گردد، ابعاد مادی قضیه است. بی‌شک گرانبهاترین میراثی که انسان‌ها برای فرزندان و نسل پس از خود بر جای می‌گذارند، علوم و تجربیات آنهاست. با وجود این، چه بسیارند خانواده‌هایی که بر سر تقسیم مال و ثروت پدران خود دچار اختلاف‌های شدید شده و در این بین حتی برخی از اعضا جان خود را نیز از دست داده‌اند. این امر، قانونگذاران تمام کشورها را بر آن داشته تا در مورد ارث و نحوه تقسیم آن در بین بازماندگان قوانین و مقرراتی وضع نمایند و دستگاه‌های قضایی را موظف گردانند تا بر حسن اجرای این مقررات نظارت داشته باشند و در موارد اختلاف نسبت به رفع آن اقدام نمایند. بدیهی است که کشور ما نیز از این قاعده مستثنا نیست و در قانون مدنی برای این موضوع تدابیری اندیشیده شده است که در این مقوله به آنها خواهیم پرداخت.

از جمله تأسیسات اجتماعی که اصول و قواعد پیچیده حقوقی در آن کمتر به چشم می‌خورد "ارث" است. ارث در لغت به معنای مالی است که از میت باقی می‌ماند و در اصطلاح انتقال دارایی شخص متوفا به بازماندگان می‌باشد که این امر بدون اراده متوفا و بازماندگان او صورت می‌گیرد. برخی اصطلاحات حقوقی:

- ترکه: مالی که از میت باقی می‌ماند.
- مورث: شخص متوفا که از او مالی به جا می‌ماند.
- وارث: شخصی که از متوفا ارث می‌برد.
- خویشاوندی نسبی: عبارت است از وابستگی شخصی به شخص دیگر از طریق ولادت چه مستقیم باشد مانند رابطه پسر و پدر و چه با واسطه مانند رابطه دو برادر که به واسطه پدر با یکدیگر خویشاوند هستند.
- خویشاوندی سببی: عبارت است از خویشاوندی بین دو نفر که در اثر ازدواج به وجود می‌آید مثل رابطه داماد با مادر همسر یا خواهر زن.
- لعان: در لغت به معنای یکدیگر را لعنت کردن است. لعان یک اصطلاح فقهی است بدین صورت که چون مرد یا زنی یکدیگر را به زنا

نسبت دهند آن زن یا مرد همیشه بر یکدیگر حرام می‌شوند.

- کافر: در شرع به کسی گفته می‌شود که به یگانگی خدا یا نبوت نبی اکرم (ص) و یا یکی از ضروریات دین اسلام مانند حرمت نوشیدن مشروب الکلی یا زنا و..... معتقد نباشد.

- وصیت: سفارش کسی به یک یا چند تن مبنی بر اجرای اعمال و دخل و تصرف در اموال وی پس از مرگ او. وصیت بردونوع می‌باشد یا تملیکی است یا عهدی.

در "وصیت تملیکی" متوفا در زمان حیاتش مال یا منفعتی از مال خود را برای زمان بعد از فوتش به صورت مجانی به دیگری می‌دهد. در "وصیت عهدی" شخص یک یا چند نفر را برای انجام امر یا اموری مأمور می‌کند. در وصیت عهدی در واقع شخص برای زمان فوتش به دیگری نمایندگی می‌دهد تا اعمالی را که خود می‌توانسته در زمان حیات انجام دهد از طرف او به جای آورد. شرایط لازم برای انتقال ارث:

برای آنکه مالی از طریق ارث از کسی به دیگری منتقل شود، وجود بعضی شرایط لازم است که عبارتند از:



– از متوفا مالی به جا مانده باشد.

– باید بین مورث و وارث رابطه خویشاوندی وجود داشته باشد. این قرابت یا خویشاوندی ممکن است سببی یا نسبی باشد. در رابطه نسبی، ارث به وارث تعلق می‌گیرد. در رابطه سببی، زوجیت دایم موجب ارث می‌شود، اما توارث تنها بین زوجین برقرار می‌شود و خویشاوندان یکی از آن دو از دیگری ارث نمی‌برد، برای مثال مادر و پدر و برادران شوهر وارث همسر او نمی‌شود.

– از شرایط دیگر ارث آن است که مورث فوت کرده باشد و وارث نیز در زمان مرگ او زنده باشد. – جنینی که در شکم مادر است به شرط آنکه زنده متولد شود، از مورث خود ارث خواهد برد.

– وارث مسلمان از مورث کافر ارث می‌برد. (عکس قضیه صادق نیست و کافر از مسلمان ارث نمی‌برد.)

موانع انتقال ارث:

– از اموری که مانع ارث بردن می‌شود قتل است. اگر کسی مورث خود را به‌طور عمدی بکشد از ارث او محروم می‌شود.

– در لعان زن و شوهر از یکدیگر، آنها از هم ارث نمی‌برند. فرزندی هم که مورد نفی و لعان پدر خود واقع شده از او ارث نمی‌برد. در این حالت پدر، فرزندی را که در زمان زوجیت با همسرش به دنیا آمده از خود نفی می‌کند و تحت شرایط شرعی مراسم لعان نیز برگزار می‌شود. در نتیجه، رابطه وراثت بین فرزند و پدر به وجود نخواهد آمد.

– از دیگر موانع ارث کفر است و وراثت کافر از مورث مسلمان ارث نمی‌برد.

– فرزندان مشروع (ولدالزنا) نیز از پدر و مادر و اقوام آنان ارث نمی‌برد.

سهم طبقات مختلف وراثت و نحوه احتساب آن

همان‌طور که گفتیم، خویشاوندی موجب اثر می‌شود و اگر کسی فوت کرد و از خود مالی به جا گذاشت، پس از برداشت هزینه‌های کفن و دفن میت و تجهیز آن مانند قیمت سدر، هزینه حمل جنازه و پرداخت بدهی‌های او و اخراج وصیت

و.... باقی‌مانده بین وراثت تقسیم می‌شود.

در وصیت تملیکی، وصیت نسبت به زاید بر یک‌سوم اموال به‌جا مانده از متوفا، موکول به اجازه مورثه می‌باشد و در صورت عدم اعلام رضایت، نسبت به مازاد بر یک‌سوم وصیت اثری ندارد.

نکته‌ای که باید به آن توجه داشت آن است که شخص نمی‌تواند به‌موجب وصیت یک یا چند نفر از ورثه خود را از ارث محروم کند. البته ممکن است شخص در زمان حیات خودش اموالی را به یک نفر از ورثه یا دیگران ببخشد یا صلح کند و.... که در اینجا عمل او قانونی است. آنچه که شخص از آن ممنوع می‌باشد محروم کردن ورثه از ارث از طریق وصیت است.

طبقات ارث

تمامی خویشاوندان متوفا با همدیگر از او ارث نمی‌برند، بلکه وجود خویشاوندان نزدیک‌تر خویشاوندان دورتر را از ارث محروم می‌کنند. همچنین وجود بعضی از خویشاوندان مانع می‌شوند که بعضی از ورثه تمام یا قسمتی از سهم خود را از ارث ببرند که در مثال‌هایی که می‌آوریم به آنها اشاره خواهیم کرد.

ورثه طبقه اول

در این طبقه دو دسته وراثت وجود دارند که عبارتند از: دسته اول: پدر و مادر، دسته دوم:

اولاد و اولاد اولاد(نوه) و اولاد اولاد اولاد (نبیره) و..... پدر و مادر میت در کنار اولاد او و در صورتی که متوفا اولاد نداشته باشد در کنار نوه و در صورت نداشتن نوه در کنار نبیره و.... از متوفا ارث می‌برند. از این‌رو نه فرزندان متوفا مانع ارث بردن پدر و مادر او می‌شوند و نه پدر و مادر متوفا مانع ارث ارث بردن فرزندان. فقط باید توجه داشت که با وجود فرزند(دختر یا پسر)، نوه‌ها یا نبیره‌ها ارث نمی‌برند. در واقع هنگامی نوه‌ها در کنار پدر و مادر متوفا ارث می‌برند که فرزندان متوفا در زمان مرگش زنده نباشند. این مورد درباره نبیره‌های متوفا نیز صدق می‌کند؛ یعنی نبیره‌ها هنگامی در کنار پدر و مادر ارث می‌برند که در زمان مرگش مورث، فرزندان یا نوه‌های او زنده نباشند.

مثال: فرض کنیم آقای (الف) فوت می‌کند. در زمان فوت او:

– اگر فقط پدرش وارث او باشد. (متوفا فرزندی نداشته باشد و مادر متوفا در قید حیات نباشد)، در این صورت تمام اموال باقی‌مانده از متوفا (ترکه) به پدر او تعلق می‌گیرد.

– اگر فقط مادرش وارث او باشد (متوفا فرزندی نداشته باشد و پدر متوفا در قید حیات نباشد)، در این صورت تمام اموال باقی‌مانده از متوفا (ترکه) به مادر او تعلق می‌گیرد.



— اگر فقط یک دختر وارث او باشد (والدین متوفا در قید حیات نباشند و فرزند پسر نداشته باشد)، در این صورت تمام اموال باقی مانده از متوفا (ترکه) به دختر او تعلق می‌گیرد.

— اگر فقط یک پسر وارث او باشد (والدین متوفا در قید حیات نباشند و فرزند دیگری نداشته باشد)، در این صورت تمام اموال باقی مانده از متوفا (ترکه) به پسر او تعلق می‌گیرد.

— اگر فقط پدر و مادرش وارث او باشند (متوفا فرزندی نداشته باشد)، در این صورت یک‌سوم از ترکه به مادر و دو سوم به پدر متوفا می‌رسد.  
توجه:

در این حالت اگر متوفا علاوه بر پدر و مادر دارای چند خواهر یا برادر نیز باشد، گرچه از ترکه سهمی ندارند ولی موجب خواهند شد که مادر نتواند بیش از یک‌ششم از ترکه ارث ببرد. برای اینکه برادر و خواهر متوفا مانع از تعلق گرفتن بیش از یک‌ششم از ترکه به مادر شوند باید میت لااقل دو برادر یا یک برادر یا دو خواهر یا چهار خواهر داشته باشد و پدر آنان نیز زنده باشد و از ارث ممنوع نباشند، مگر به سبب قتل و این که برادر و خواهرها یا از یک پدر و مادر باشند یا از یک پدر. به این حالت اصطلاحاً "حجب" گفته می‌شود و می‌گویند: "مادر حجاب دارد".

— اگر فقط چند پسر وارث او باشند (والدین متوفا در قید حیات نباشند و فرزند دختر نداشته باشد)، در این صورت تمامی ترکه به‌طور مساوی بین پسران متوفا تقسیم می‌شود؛ و اگر بعضی از ورثه او پسر و برخی دختر باشند: در این صورت پسران دو برابر دختران ارث می‌برند. (برای مثال: اگر فردی سه پسر و دو دختر داشته باشد، ترکه به هشت قسمت تقسیم می‌شود و سهم هر دختر یک هشتم و سهم هر پسر دو هشتم از ترکه خواهد بود.)

— اگر فقط نوه‌ها وارث او باشند (والدین و فرزندان متوفا در قید حیات نباشند)، در این صورت نوه‌ها جانشین فرزندان متوفا محسوب شده و حسب مورد سهم پدر و مادر خودشان را می‌برند. برای مثال: در فرض قبلی نوه‌های

دختری یک هشتم و نوه‌های پسری دو هشتم ارث می‌برند. البته در میان خود آنان نیز سهم پسر دو برابر دختر است؛ یعنی اگر از نوه دختری یک نفر دختر و یک نفر پسر باشد سهم پسر از یک هشتم دو برابر است که می‌شود دو سوم از یک هشتم.

— اگر پدر و مادر همراه با یک دختر ورثه او باشند (متوفا فرزند پسر نداشته باشد)، هر یک از پدر و مادر یک‌ششم از ترکه و دختر یک دوم ارث می‌برد. در اینجا یک‌ششم از ترکه اضافه می‌آید که باقی مانده به نسبت سهم هر یک از وراثت بین آنان تقسیم می‌شود مگر آنکه مادر حاجب داشته باشد که از یک‌ششم باقی مانده چیزی به ارث نمی‌برد.

— اگر پدر یا مادر با یک دختر ورثه او باشند (متوفا فرزند پسر نداشته باشد و یکی از والدین او قبلاً فوت کرده باشند)، در این صورت پدر یا مادر یک‌ششم و دختر یک دوم ارث می‌برد. در اینجا نیز یک‌سوم از ترکه باقی می‌ماند که نسبت سهام ورثه بین آنان تقسیم می‌شود.

— اگر پدر یا مادر یا هر دو یا چند دختر ورثه او باشند (متوفا فرزند پسر نداشته باشد)، در این صورت اگر والدین متوفا هر دو در قید حیات باشند، به هر کدام یک ششم از ترکه و دو سوم مابقی به دختران می‌رسد، اما اگر تنها یکی از والدین در قید حیات باشد، یک‌سوم از ارث به او و دو سوم بقیه به دختران می‌رسد.

— اگر از ترکه اضافه ماند، بین تمام ورثه به نسبت سهم‌شان تقسیم می‌شود.

— اگر پدر یا مادر یا هر دو به اتفاق پسر و دختر ورثه او باشند، هر یک از پدر و مادر یک ششم و بقیه به فرزندان می‌رسد که سهم پسر دو برابر دختر است. چنانچه همه فرزندان دختر یا همه پسر باشند، بقیه به‌طور مساوی بین آنان تقسیم می‌شود.  
توجه:

در تمام فرض‌های عنوان شده، چنانچه آقای (الف) همسری داشته باشد که در زمان فوت او زنده باشد، او نیز جزو ورثه آقای (الف) محسوب می‌شود و چنانچه او فاقد فرزند یا نوه باشد، سهم همسرش یک هشتم است. البته همسر (زوجه) از اموال منقول، قیمت بنا و درختان را از ترکه ارث

می‌برد. بنابراین، اگر از آقای (الف) یک دستگاه اتومبیل، یک زمین همراه با ساختمان و ده اصله درخت گردو به ارث باقی بماند، زوجه فقط از قیمت ساختمان و گردو اصل اتومبیل ارث می‌برد و نه از عین زمین و ساختمان و درخت. اگر شوهر فوت کند و وارثی جز همسرش نداشته باشد، بقیه اموال او جزو اموال بلاوارث (بدون وارث) محسوب می‌شود و در اختیار حاکم قرار می‌گیرد. در مورد زنی که فاقد فرزند و نوه باشد، پس از فوت او شوهرش یک دوم از کل ترکه‌اش را به ارث می‌برد، اما در صورت داشتن فرزند یا نوه، یک چهارم از کل ماترک به شوهر ارث می‌رسد. اگر زوجه فوت کند و وارثی جز شوهرش نداشته باشد، تمام ترکه به شوهر وی تعلق می‌گیرد.

پوشش: اگر زنی فوت کند و دارای پدر و مادر و زوج و چند دختر و پسر باشد، سهم هر یک از وراثت چگونه تعیین می‌شود؟

پاسخ: سهم پدر یک ششم، سهم مادر یک ششم و سهم زوج یک چهارم خواهد بود که جمع آن چهارده بیست و چهارم می‌شود. ده بیست و چهارم مابقی بین فرزندان (بر مبنای پسران دو برابر دختران) تقسیم می‌شود.

وراث طبقه دوم

وراث طبقه دوم همانند وراثت طبقه اول دو دسته‌اند: دسته اول: اجداد و دسته دوم: برادران و خواهران و اولاد آنان.

در صورتی که هیچ یک از وراثت طبقه اول (یعنی پدر و مادر و فرزندان و نوه‌ها و ....)

موجود نباشند، ترکه بین وراثت طبقه دوم تقسیم می‌شود. دسته اول از طبقه دوم، یعنی اجداد، کسانی هستند که شخص به یک یا چند فاصله از آنان متولد شده است خواه از طرف مادر با آن شخص نسبت داشته باشند که به آنان "اجداد مادری" گویند، مانند پدر مادر یا مادر مادر و خواه از طرف پدر نسبت داشته باشند که به آنان "اجداد پدری" گفته می‌شود مانند پدر پدر یا مادر پدر.

دسته دوم از طبقه دوم، برادر یا خواهر و فرزندان آنها هستند و عبارتند از کسانی که با میت از یک نفر به وجود آمده‌اند، مانند برادر و خواهر متوفا که

هر دو از پدر یا مادر یا پدر و مادر متوفا متولد شده‌اند و نیز برادرزاده یا خواهرزاده یا نوه برادر و خواهر متوفا که غیر مستقیم از پدر یا مادر یا پدر و مادر او به وجود آمده‌اند. در این دسته برادر و خواهر در درجه اول قرار دارند و فرزندان آنان در درجه دوم. نوه‌های آنان نیز در درجه سوم قرار می‌گیرند. هر یک از درجات نزدیک‌تر به متوفا، درجه دورتر را از ارث محروم می‌کند. برای مثال: با فرض زنده بودن برادر، برادرزاده یا خواهرزاده میت از او ارث نمی‌برند.

**مثال:** فرض کنیم آقای (الف) فوت می‌کند و هیچ خویشاوندی که از میان وراثت طبقه اول باشند، نداشته باشد. در این حالت در زمان فوت او از میان وراثت طبقه دوم:

– اگر فقط برادر داشته باشد، او تنها وارث متوفا محسوب می‌شود؛ در این صورت تمام ترکه به او می‌رسد.

– اگر فقط خواهر داشته باشد، او تنها وارث متوفا محسوب می‌شود؛ در این صورت تمام ترکه به او می‌رسد.

– اگر فقط پدر بزرگ داشته باشد، او تنها وارث متوفا محسوب می‌شود؛ در این صورت تمام ترکه به او می‌رسد.

– اگر فقط مادر بزرگ داشته باشد، او تنها وارث متوفا محسوب می‌شود؛ در این صورت تمام ترکه به او می‌رسد.

– اگر فقط چند برادر که با متوفا از یک پدر و مادرند وجود داشته باشند؛ در این صورت تمام ترکه بین آنان به‌طور مساوی تقسیم می‌شود.

– اگر فقط چند خواهر که با متوفا از یک پدر و مادرند وجود داشته باشند، در این صورت تمام ترکه بین آنان به‌طور مساوی تقسیم می‌شود.

– اگر فقط چند برادر که با متوفا از یک پدر هستند وجود داشته باشند. در این صورت تمام ترکه بین آنان به‌طور مساوی تقسیم می‌شود.

– اگر فقط چند خواهر که با متوفا از یک پدر هستند وجود داشته باشند، در این صورت تمام ترکه بین آنان به‌طور مساوی تقسیم می‌شود.

– اگر فقط چند برادر و خواهر که با متوفا از

یک پدر و مادر هستند وجود داشته باشند، در این صورت سهم برادران دو برابر خواهران است.

– اگر فقط چند برادر و خواهر که با متوفا از یک پدر هستند وجود داشته باشند، در این صورت سهم برادران دو برابر خواهران است.

– اگر فقط چند برادر و خواهر که با متوفا از یک مادر هستند وجود داشته باشند، در این صورت سهم هر یک وراثت از ترکه مساوی با دیگران است.

– اگر چند برادر و خواهر از یک پدر و مادر با یک خواهر یا برادر که با او از یک مادر هستند وجود داشته باشند؛ در این صورت یک ششم ترکه از آن برادر یا خواهری است که با متوفا از یک مادر می‌باشد و بقیه، یعنی پنج ششم به برادران و خواهرانی تعلق می‌گیرد که با متوفا از یک پدر و مادرند و سهم برادران دو برابر خواهران است.

– اگر چند برادر و خواهر که با متوفا از یک پدرند با یک خواهر یا یک برادر که با او از یک مادرند هستند وجود داشته باشند؛ در این صورت یک ششم ترکه که از آن برادر یا خواهری است که با متوفا از یک مادر می‌باشد و بقیه، یعنی پنج ششم به برادران و خواهرانی تعلق می‌گیرد که با او از یک پدرند و سهم برادران دو برابر خواهران است.

– اگر یک یا چند برادر و خواهر که با متوفا از یک پدر و مادرند با چند خواهر و برادر که با او از یک مادر هستند وجود داشته باشند؛ دو سوم ترکه به برادران و خواهرانی که با متوفا از یک پدر و مادر هستند و یک سوم از ترکه به برادران و خواهرانی که با او از یک مادرند تعلق می‌گیرد.

– اگر یک یا چند برادر و خواهر که با متوفا از یک پدر و مادرند با چند خواهر و برادر که با او از یک مادر هستند وجود داشته باشند؛ دو سوم ترکه به برادران و خواهرانی که با متوفا از یک پدر و مادر هستند و یک سوم از ترکه به برادران و خواهرانی که با او از یک مادرند تعلق می‌گیرد.

– اگر یک یا چند برادر و خواهر که با متوفا از یک پدر و مادرند با چند خواهر و برادر که با او از یک مادر هستند وجود داشته باشند؛ دو سوم ترکه به برادران و خواهرانی که با متوفا از یک پدر و مادر هستند و یک سوم از ترکه به برادران و خواهرانی که با او از یک مادرند تعلق می‌گیرد.

– اگر یک یا چند برادر و خواهر که با متوفا از یک پدر و مادرند با چند خواهر و برادر که با او از یک مادر هستند وجود داشته باشند؛ دو سوم ترکه به برادران و خواهرانی که با متوفا از یک پدر و مادر هستند و یک سوم از ترکه به برادران و خواهرانی که با او از یک مادرند تعلق می‌گیرد.

– اگر یک یا چند برادر و خواهر که با متوفا از یک پدر و مادرند با چند خواهر و برادر که با او از یک مادر هستند وجود داشته باشند؛ دو سوم ترکه به برادران و خواهرانی که با متوفا از یک پدر و مادر هستند و یک سوم از ترکه به برادران و خواهرانی که با او از یک مادرند تعلق می‌گیرد.

– اگر یک یا چند برادر و خواهر که با متوفا از یک پدر و مادرند با چند خواهر و برادر که با او از یک مادر هستند وجود داشته باشند؛ دو سوم ترکه به برادران و خواهرانی که با متوفا از یک پدر و مادر هستند و یک سوم از ترکه به برادران و خواهرانی که با او از یک مادرند تعلق می‌گیرد.

– اگر یک یا چند برادر و خواهر که با متوفا از یک پدر و مادرند با چند خواهر و برادر که با او از یک مادر هستند وجود داشته باشند؛ دو سوم ترکه به برادران و خواهرانی که با متوفا از یک پدر و مادر هستند و یک سوم از ترکه به برادران و خواهرانی که با او از یک مادرند تعلق می‌گیرد.

– اگر میت برادر و خواهری داشته‌اشد که با او از یک پدر و مادر باشند، برادر و خواهرانی که

از پدر با او یکی هستند از او ارث نمی‌برند. دوم: برادران و خواهرانی که با میت از یک پدر و مادرند یا از یک پدرند، برادران و خواهرانی را که از مادر با میت یکی هستند از ارث محروم نمی‌کنند.

سوم: در تمام فرض‌های عنوان شده، اگر آقای (الف) برادر یا خواهری نداشته‌باشد، برادرزاده و خواهرزاده او جانشین پدران و مادران خود شده و سهم آنها را خواهند برد.

**دسته دوم از طبقه دوم (اجداد)**  
پس از فوت آقای (الف):

– اگر از میان بستگان متوفا تنها پدر بزرگ و مادر بزرگ پدری او وجود داشته باشند: در این صورت وارث او محسوب شده و دو سوم ترکه به پدر بزرگ و یک سوم به مادر بزرگ می‌رسد.

– اگر از میان بستگان متوفا تنها پدر بزرگ و مادر بزرگ مادری او وجود داشته‌باشند: در این صورت آنها وارث او محسوب شده و ترکه به‌طور مساوی بین آنها تقسیم می‌شود.

– اگر از میان بستگان متوفا تنها پدر بزرگ یا مادر بزرگ پدری یا پدر بزرگ یا مادر بزرگ مادری او وجود داشته باشند: در این صورت دو سوم ترکه به پدر بزرگ یا مادر بزرگ پدری متوفا می‌رسد (که سهم پدر بزرگ دو برابر مادر بزرگ است) و یک سوم بقیه به پدر بزرگ یا مادر بزرگ مادری او می‌رسد (که به‌طور مساوی بین آنان تقسیم می‌شود).

– اگر از میان بستگان متوفا تنها پدر بزرگ و مادر بزرگ پدری او با برادر و خواهری که با متوفا از یک پدر و مادرند یا از یک پدرند وجود داشته باشند: در این صورت ترکه بین آنها به‌نحوی که سهم مردان دو برابر زنان باشد تقسیم می‌شود. (برای مثال: آقای "الف" دارای پدر پدر و مادر پدر و یک برادر و خواهر است. در اینجا ترکه به شش قسمت تقسیم می‌شود به‌نحوی که به پدر بزرگ و برادر هر یک دو ششم و به خواهر و مادر بزرگ هر کدام یک ششم داده می‌شود).

– اگر از میان بستگان متوفا تنها پدر بزرگ و مادر بزرگ مادری او با برادر و خواهری که با متوفا از یک پدر و مادرند یا از یک پدرند وجود داشته باشند: در این صورت ترکه بین آنها به‌نحوی که سهم مردان دو برابر زنان باشد تقسیم می‌شود. (برای مثال: آقای "الف" دارای پدر پدر و مادر پدر و یک برادر و خواهر است. در اینجا ترکه به شش قسمت تقسیم می‌شود به‌نحوی که به پدر بزرگ و برادر هر یک دو ششم و به خواهر و مادر بزرگ هر کدام یک ششم داده می‌شود).

– اگر از میان بستگان متوفا تنها پدر بزرگ و مادر بزرگ مادری او با برادر و خواهری که با متوفا از یک پدر و مادرند یا از یک پدرند وجود داشته باشند: در این صورت ترکه بین آنها به‌نحوی که سهم مردان دو برابر زنان باشد تقسیم می‌شود. (برای مثال: آقای "الف" دارای پدر پدر و مادر پدر و یک برادر و خواهر است. در اینجا ترکه به شش قسمت تقسیم می‌شود به‌نحوی که به پدر بزرگ و برادر هر یک دو ششم و به خواهر و مادر بزرگ هر کدام یک ششم داده می‌شود).

– اگر از میان بستگان متوفا تنها پدر بزرگ و مادر بزرگ مادری او با برادر و خواهری که با متوفا از یک پدر و مادرند یا از یک پدرند وجود داشته باشند: در این صورت ترکه بین آنها به‌نحوی که سهم مردان دو برابر زنان باشد تقسیم می‌شود. (برای مثال: آقای "الف" دارای پدر پدر و مادر پدر و یک برادر و خواهر است. در اینجا ترکه به شش قسمت تقسیم می‌شود به‌نحوی که به پدر بزرگ و برادر هر یک دو ششم و به خواهر و مادر بزرگ هر کدام یک ششم داده می‌شود).

یک مادرند و وجود داشته باشند: در این صورت ترکه به طور مساوی بین آنها تقسیم می شود.

– اگر از میان بستگان متوفا تنها پدر بزرگ و مادر بزرگ پدری او با یک برادر یا یک خواهر که با متوفا از یک پدر و مادرند یا از یک پدرند یا یک خواهر یا یک برادر که با او از یک مادرند وجود داشته باشند: در این صورت یک ششم ترکه به برادر یا خواهری که با متوفا از یک مادرند داده می شود. پنج ششم باقی مانده بین سایر خویشاوندان به شش قسمت تقسیم می شود و به هر یک از پدر بزرگ پدری و برادری که با متوفا از یک پدر و مادرند یا یک پدر و دو سهم و به هر یک از مادر بزرگ پدری و خواهر که با متوفا از یک پدر و مادرند یا از یک پدرند، یک سهم داده خواهد شد.

– اگر از میان بستگان متوفا تنها پدر بزرگ و مادر بزرگ های پدری و مادری او با برادر و خواهری که با متوفا از یک پدر و مادرند با برادر و خواهری که با او از یک مادرند وجود داشته باشند: در این صورت یک سوم ترکه که به پدر بزرگ و مادر بزرگ مادری متوفا و خواهر و برادری که با متوفا از یک مادرند تعلق می گیرد که بین شان به طور مساوی تقسیم می شود و دو سوم بقیه به پدر بزرگ و مادر بزرگ پدری متوفا و برادر و خواهری که با او از یک پدر و مادرند می رسد که سهم مردان دو برابر زنان است.

**نکته:** در تمام فرض های گفته شده، چنانچه آقای (الف) دارای همسر باشد، سهم همسرش از ترکه یک چهارم است. حال اگر فرض کنیم متوفا زن بوده و شوهر داشته باشد، در این صورت سهم شوهرش یک دوم از ترکه خواهد بود.

### وراث طبقه سوم:

در صورتی که از بستگان طبقه اول و طبقه دوم میت کسی وجود نداشته باشد، وراثت طبقه سوم، در اثر فوت آقای (الف) مالک ترکه می شود. این بستگان عبارتند از: عمو، عمه، خاله، دایی و فرزندان آنان. (البته مقصود از عمو و عمه و... هم عمو و عمه و... متوفا و هم عمو و عمه و... پدر بزرگ و مادر بزرگ متوفاست و این در صورتی است که عمو و عمه و... متوفا در زمان مرگ او

زنده نباشند و الا آنها مانع ارث بردند عمو و عمه و... پدر بزرگ و مادر بزرگ متوفا هستند.)

همان طور که در موارد قبل اشاره کردیم، در هر طبقه درجاتی داریم. بدین نحو که درجات نزدیک تر به میت مانع از ارث بردن درجات دورتر هستند و در صورت نبودن درجات نزدیک تر، درجات دورتر جانشین آنها می شوند. از این رو در طبقات سوم نیز هرگاه هیچ یک از عمو و عمه و دایی و خاله متوفا موجود نباشند اولاد آنان به جانشینی آنها ارث می برند و سهم آنان همانند سهم والدینشان خواهد بود. فقط یک استثنا در این طبقه وجود دارد و آن تقدم پسر عموی پدری و مادری بر عموی پدری است.

**مثال:** فرض کنیم آقای (الف) فوت می کند، در زمان فوت او:

– اگر از میان بستگان متوفا تنها یکی از عموها یا عمه یا دایی یا خاله او وجود داشته باشد: در این صورت آن شخص تمام ترکه را می برد.

– اگر عموهای پدری و مادر یا پدری یا مادری او وجود داشته باشند: در این صورت تمام ترکه به طور مساوی بین آنها تقسیم می شود.

– اگر از میان بستگان متوفا تنها چند نفر از عموها و عمه های پدری و مادری او وجود داشته باشند: در این صورت سهم عموها دو برابر عمه ها است.

– اگر از میان بستگان متوفا تنها چند نفر از عموها و عمه های مادری او وجود داشته باشند: در این صورت سهم عموها و عمه ها مساوی است.

– اگر از میان بستگان متوفا تنها یک عموها و عمه مادری او با عمو و عمه پدری و مادری با پدری متوفا وجود داشته باشند: در این صورت یک ششم ترکه که به عمو یا عمه مادری می رسد. پنج ششم بقیه به سایرین تعلق خواهد گرفت که سهم عموها دو برابر عمه ها است.

– اگر از میان بستگان متوفا تنها چند عمو و عمه مادری او با عمو و عمه پدری و مادری او وجود داشته باشند: در این صورت یک سوم ترکه به چند عمو و عمه مادری می رسد به نحوی که سهم هر یک از آنها از ترکه مساوی است. بقیه ترکه نیز به

سایرین تعلق خواهد گرفت به نحوی که سهم عموها دو برابر سهم عمه ها است.

توجه:

مقصود از عمو و عمه پدری یا مادری و... آن است که خویشاوندی آنان با پدر میت پدری یا مادری است.

– اگر از میان بستگان متوفا تنها چند دایی یا چند خاله پدری و مادری یا پدری و یا مادری او وجود داشته باشند: در این صورت ترکه به طور مساوی بین آنها تقسیم می شود.

– اگر از میان بستگان متوفا تنها چند دایی پدری و مادری او با چند خاله پدری و مادری او وجود داشته باشند: در این صورت ترکه به طور مساوی بین آنها تقسیم می شود.

– اگر از میان بستگان متوفا تنها چند دایی پدری او با چند خاله پدری او وجود داشته باشند: در این صورت ترکه به طور مساوی بین آنها تقسیم می شود.

– اگر از میان بستگان متوفا تنها چند دایی مادری او با چند خاله مادری او وجود داشته باشند: در این صورت ترکه به طور مساوی بین آنها تقسیم می شود.

– اگر از میان بستگان متوفا تنها یک دایی یا یک خاله مادری او با دایی و خاله پدری و مادری یا پدری او وجود داشته باشد: در این صورت یک ششم ترکه به دایی یا خاله مادری و بقیه به طور مساوی به سایرین اختصاص می یابد.

– اگر از میان بستگان متوفا تنها چند دایی و خاله مادری او با دایی و خاله پدری و مادری با پدری او وجود داشته باشند: در این صورت یک سوم ترکه سهم دایی ها و خاله های مادری است که به طور مساوی بین آنها تقسیم می شود و بقیه به سایرین می رسد که سهم آنها نیز مساوی است.

توجه:

دایی و خاله پدری: دایی و خاله متوفا که خویشاوندی آنها با مادر میت پدری است.

دایی و خاله مادری: دایی و خاله متوفا که خویشاوندی آنها با مادر میت مادری است.





دایمی و خاله پدری یا مادری: دایمی و خاله متوفا که خویشاوندی آنها با مادر میت با مادری است یا پدری.

دایمی و خاله پدری و مادری: دایمی و خاله متوفا که خویشاوندی آنها با مادر میت هم از جانب پدر است و هم مادر.

– اگر از میان بستگان متوفا تنها یک یا چند نفر از عموها و عمه‌های او با یک یا چند نفر از دایمی‌ها و خاله‌های او وجود داشته باشند: در این صورت یک‌سوم ترکه به دایمی‌ها و خاله‌ها و دو سوم به عموها و عمه‌ها می‌رسد. اما نحوه تقسیم بین هر یک از آنان چنین است:

نحوه تقسیم یک‌سوم برای دایمی و خاله‌ها: ۱- اگر دایمی و خاله‌ها همه پدری و مادری یا همه پدری یا همه مادری باشند یک‌سوم ترکه بین آنها به‌طور مساوی تقسیم می‌شود.

۲- اگر یکی از آنها مادری و بقیه پدری و مادری یا پدری باشند: از ترکه یک‌سوم به دایمی یا خاله مادری و پنج ششم مابقی به دایمی‌ها و خاله‌های پدری و مادری می‌رسد که بین خود به‌نحو مساوی تقسیم می‌کنند.

۳- اگر چند نفر از دایمی‌ها و خاله‌ها مادری باشند و بقیه پدری و مادری یا پدری: ثلث یک‌سوم از ترکه به دایمی‌ها و خاله‌های مادری و دو سوم بقیه (از یک‌سوم کل ترکه) به خاله‌ها و دایمی‌های پدری می‌رسد که به‌نحو مساوی بین همه آنها تقسیم می‌شود.

نحوه تقسیم دو سوم برای عموها و عمه‌ها: ۱- اگر عموها و عمه‌ها همه پدری و مادری یا همه پدری باشند: سهم عموها دو برابر عمه‌ها است.

۲- اگر یکی از عموها یا عمه‌ها مادری و بقیه پدری و مادری یا پدری باشند: یک ششم دو سوم از ترکه به عمو یا عمه مادری داده می‌شود و پنج ششم بقیه (از دو سوم ترکه) بین سایرین تقسیم می‌شود که سهم عموها دو برابر عمه‌هاست.

۳- در صورتی که چند نفر عمو یا عمه مادری باشند و بقیه عمو و عمه پدری و مادری یا پدری:

ثلث دو سوم به عمو یا عمه‌های مادری می‌رسد که به‌نحو مساوی بین خود تقسیم می‌کنند و بقیه به عموها و عمه‌های پدری و مادری یا پدری می‌رسد که سهم عموها دو برابر عمه‌هاست.

:

– در تمام فرض‌های عنوان شده، اگر آقای (الف) همسر داشته باشد، سهم همسر او از ترکه یک چهارم است و اگر متوفا زن باشد و شوهر داشته باشد، سهم شوهرش از ترکه یک دوم است. – در ازدواج موقت، زوجین از یگدیگر ارث نمی‌برند.

– اگر شوهر، زن خود را طلاق رجعی دهد (طلاق که شوهر در یک دوره خاص یعنی عده حق برگشت و مراجعه به شوهرش دارد) و هر یک از زن و شوهر قبل از پایان آن دوره خاص (عده) بمیرد، دیگری از او ارث می‌برد.

– اگر شوهر در حال بیماری زن خود را طلاق دهد و در ظرف یک سال از تاریخ طلاق به همان بیماری بمیرد، همسرش از او ارث می‌برد. (البته اگر طلاق رجعی نباشد زن در این فرض هنگامی ارث می‌برد که شوهر نکرده باشد).

:

گاهی اوقات حالتی پیش می‌آید که سهم وراثت بیش از کل ترکه می‌شود و ترکه دچار نقصان می‌شود و یا برعکس از ترکه زیاد می‌آید.

مثال: فرض کنیم زنی فوت می‌کند و چند عمو و عمه و چند دایمی و خاله و شوهرش ورثه او هستند. سهم دایمی‌ها و خاله‌ها یک سوم و سهم شوهر یک دوم که جمعاً می‌شود پنج ششم. بنابراین، یک ششم باقیمانده به چند عمو و عمه می‌رسد. در اینجا این کمی ارث بر خویشاوندان پدری وارد می‌شود زیرا در حالتی که زن متوفا شوهر نداشته باشد، سهم عموها و عمه‌ها دو سوم خواهد بود اما چون شوهر شریک ورثه شده، سهم خویشاوندان پدری کم می‌شود.

این قضیه در مورد وراثت طبقه دوم نیز صادق است. برای مثال: اگر زنی فوت کند و ورثه‌اش اجداد و برادر و خواهر پدری و مادری با برادر و خواهر مادری باشند، دو سوم از ترکه متعلق به

خویشاوندان پدری و یک سوم از ترکه از آن خویشاوندان مادری خواهد بود. حال اگر این زن دارای شوهر هم باشد یک دوم از ترکه را خواهد برد که می‌شود یک سوم به علاوه یک دوم که حاصل از کل ترکه بیشتر است. در اینجا از سهم خویشاوندان پدری کم می‌شود؛ یعنی یک دوم به شوهر و یک سوم به خویشاوندان مادری و بقیه که عبارت از یک ششم است، به خویشاوندان پدری داده می‌شود.

در طبقه اول نیز این نقض بر دختران وارد می‌شود. برای مثال: سهم ارث پدر و مادر یک ششم، دختر یک دوم و شوهر یک چهارم است که در جمع می‌شود بیست و شش، بیست و چهارم که در نتیجه، دو بیست و چهارم کم می‌آید. در اینجا نقص بر دختر وارد می‌شود؛ یعنی به جای آنکه دوازده بیست و چهارم به دختر داده شود (یعنی ۵۰٪) ده بیست و چهارم به او تعلق خواهد گرفت. مسئله دیگری که باید به آن توجه کرد این که اگر شخصی چند زوجه داشته باشد، حسب مورد به هر یک از آنها یک چهارم یا یک هشتم تعلق خواهد گرفت که می‌بایست بین خودشان به‌طور مساوی تقسیم می‌کنند. بدهی‌های میت به‌بازماندگان (ورثه) منتقل نمی‌شود.

